

بسمه تعالی

نگاهی قرآنی به مسئله خطرناک

«نفوذ»

فهرست عناوین و موضوعات

سر آغاز سخن

« نفوذ » از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

مراحل مواجهه با دشمن

۱. جنگ سخت. ۲. حمله‌ی نرم. ۳. نوع بسیار خطرناک جنگ نرم یعنی « نفوذ »

مفهوم شناسی و تعریف نفوذ .

الف. نفوذ فردی و موردی. ب. نفوذ جریانی.

راه مقابله با حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی ، اعتقادی و سیاسی اعلام نشده دشمن.

نفوذ در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت.

اهداف نفوذ . آماج نفوذ . مکمل نفوذ چیست؟

پیشینه بحث «نفوذ» از منظر قرآن کریم. «بلعم باعورا» نماد نفوذ شیطان در خواص

« نفوذ » در خواص، ریشه تمام فتنه ها. خواص فاسد دنیا طلب و فتنه «واقفیه»

نفوذ لیبرالها و منافقین به بیت « منتظری » و شکاف در یاران انقلاب

فتنه ۸۸ حاصل بیست سال عملیات نفوذ دشمن. یک تجربه مهم و ارزشمند

وحدت حول محور «ولایت» ، فاصله نگرفتن از گفتمان رهبری، سد راه «نفوذ».

فاصله بین امت و امام ، جایگاه نفوذ دشمن و آغازین نقطه شکل گیری فتنه ها .

برخی از زمینه های نفوذ دشمن و راه های مقابله با آن از منظر قرآن کریم.

۱. دشمن ندانستن دشمن. ۲. خوشبینی و حسن ظن و اعتماد به دشمن.

۳. امید خیر به دشمن داشتن . ۴. ترسیدن و خوف از هیمنه دروغین دشمن.

۵. احساس حقارت در مقابل دشمن. ۶. تلاش برای رفع نگرانی دشمن.

۷. خسته شدن ، کم آوردن و از دست دادن روحیه جهادی.

۸. تجمل گرایی ، اشرافی گری و از دست دادن روحیه انقلابیگری .

جمع‌بندی.

سر آغاز سخن

«نفوذ» از ریشه «نفذ» و به معنی تأثیر عمیق و اثر گذاری چیزی بر چیز دیگر و رخنه کردن در عمق چیزی است ، مانند عبور کردن تیر از هدف و گذشتن مته از تخته و سوراخ کردن آن؛ در واقع نفوذ به هر نوع رخنه و اثر گذاری اعم از معقول یا محسوس اطلاق می گردد که از جمله این موارد می توان به نفوذ فکری ، فرهنگی ، دینی و سیاسی اشاره نمود.

این واژه در قرآن کریم سه بار آنهم فقط در آیه ۳۳ الرحمن آمده است ، « يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳، الرحمن) » « ای گروه جنیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. [اولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید»، و به معنای « رخنه » و عبور می باشد .

اما « نفوذ » به عنوان یک «اصطلاح» با رویکرد جدید ، که طی یکی دو سال اخیر ، مخصوصاً از اوایل سال ۱۳۹۴ ، در جریان قضیه ی برجام و پس از برجام و مسائل مربوط به انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی ، توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (حفظه الله تعالی) ، وارد ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی گردید ، عبارت است از مرحله ای بسیار خطرناک از تقابل تاریخی و همیشگی حق و باطل که در آن دشمن به دنبال نفوذ نمودن در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت ایران، با انحاء مختلف تدابیر و سیاستها و توطئه ها ، می باشد.

در این نگاه ، «نفوذ» یعنی اینکه در اثر تبلیغات اغواگر و برنامه ریزی شده دشمن ، (شیاطینَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، «انعام ۱۱۲»)، فرد مومن دچار تغییر در باورها، آرمانها، نگاه ها و سبک زندگی می شود و در نتیجه فرد تغییر باور یافته به عامل بی جیره و مواجب شیاطین تبدیل شده و دقیقاً اهداف آنها را تأمین می کند.

در این نوشتار برآنیم که با یک بررسی کوتاه و مختصر «گذری قرآنی» بر بحث نفوذ داشته باشیم ، تا بدین وسیله کمکی کوچک به رزمندگان عرصه روشنگری نموده باشیم ، انشاءالله که مورد قبول حق تعالی و باعث خشنودی امام زمان (علیه السلام) واقع شود.

«والسلام»

« نفوذ » از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

چنانچه اشاره رفت ، « نفوذ » از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، عبارت است از ایجاد تغییر در باورها، آرمانها، نگاه ها و سبک زندگی جهت حصول نتیجه دلخواه توسط دشمن ؛ قبل از آنکه به شرح و تفصیل این بحث پردازیم ، ابتدا « مراحل مواجهه با دشمن » را از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می دهیم تا از جایگاه بحث نفوذ و اهمیت آن بهتر مطلع شویم.

مراحل مواجهه با دشمن

حضرت آیت العظمی امام خامنه ای (حفظه الله تعالی) در تاریخ ششم خردادماه ۱۳۹۵ در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ، به تبیین مراحل مختلف مواجهه انقلاب اسلامی با دشمن پرداختند و سه مرحله تقابل حق و باطل را اینگونه بیان فرمودند:

۱. **جنگ سخت** : دشمن چند جور حمله میکند: یک جور حمله های سخت است؛ جنگ سخت؛ این را دشمن تجربه کرد و شکست خورد؛ جنگ هشت ساله ای که علیه ما به راه افتاد، از این قبیل بود؛ جنگ بین المللی بود؛ یکی به صدام ابزار شیمیایی داد، یکی هواپیمای میگ داد، یکی هواپیمای میراژ داد، یکی امکانات ضدّ هوایی داد، یکی نقشه های جنگی داد؛ حتی نقشه های جنگی و ساخت سنگرها هم با کمک دیگران بود. اینها همه کمکش کردند که بلکه این جنگ را او ببرد؛ و نتوانست .حمله ی سخت یک نمونه اش جنگ هشت ساله است. یک نمونه، شورش های قومی است کارهای تروریستی را، جریانهای تروریستی را یا فعال کردند یا به وجود آوردند؛ آمریکا به سگّوی نفتی حمله کرد؛ آمریکا هواپیمای مسافری را ساقط کرد؛ هرچه توانستند کردند؛ اینها جنگ سخت است. در همه ی اینها شکست خوردند؛ در مقابل ملت ایران و در مقابل امام بزرگوار شکست .

۲. **حمله ی نرم**: مرحله ی دیگری از مقابله و معارضه ی آنها، عبارت بود از حمله ی نرم. حمله ی نرم یک نوعش همین چیزهایی است که مشاهده کردید: تحریم اقتصادی، تبلیغات اغواگر و امثال اینها. اینها کارهایی است که دشمن از روز اوّل شروع کرد و ادامه داد؛ به خیال خودشان تحریمهای فلج کننده ای را نسبت به جمهوری اسلامی اعمال کردند؛ این هم اثر نکرد؛ این هم نتوانست؛ آنها میخواستند جمهوری اسلامی را با این تحریمها و با این محاصره ی اقتصادی فلج کنند، جمهوری اسلامی فلج نشد یکی از [موارد] جنگ نرمی که انجام دادند، زدن عقبه های جمهوری اسلامی در برخی از کشورهای دیگر بود؛ که مجموعه هایی را که جزو عقبه های جمهوری اسلامی محسوب میشدند و عمق راهبردی جمهوری اسلامی محسوب میشدند، تارومار کردند و در خیلی از کشورها زدند؛ یا تارومار کردند یا بالاخره به آنها ضربه زدند؛ این هم اثری نکرد و نتوانست؛ اینها هیچ کدام راه به جایی نبرد. پس هم جنگ سختشان شکست خورد، هم جنگ نرمشان.

۳. **نوع بسیار خطرناک جنگ نرم یعنی « نفوذ »** : آنچه در مرحله ی سوّم دارد انجام میگیرد -که مال امروز هم نیست، چند سال است که شروع شده، سالها است که شروع شده منتها روزبه روز توسعه پیدا کرده -جنگ نرم از نوع دیگر است؛ این است که خیلی خطرناک است، این آن چیزی است که بنده مکرّر در مکرّر تذکر میدهم به مسئولان مختلف و به جهات مختلف؛ و آن عبارت است از نفوذ در مراکز تصمیم سازی و تصمیم گیری؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر باورهای مردم؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر محاسبات. ما که مسئول هستیم و نشستیم اینجا،

یک محاسبه‌ای داریم برای کارهای خودمان، یک محاسبه‌ای میکنیم؛ این محاسبه نتیجه‌اش این میشود که این جور موضع بگیریم؛ اگر محاسبه‌ی ما را توانستند تغییر بدهند، موضع‌گیری ما تغییر پیدا خواهد کرد. یکی از کارهای اساسی آنها این است: تغییر محاسبه‌ها در مسئولین؛ تغییر باورها در مردم؛ تغییر در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مجموعه‌هایی که تصمیم‌سازی میکنند و تصمیم‌گیری میکنند. این آن کار خطرناکی است که تهاجم به مبانی انقلاب در آن هست، تهاجم به بنیادهای حافظ و محافظ هست؛ به سپاه حمله میکنند، حمله‌ی تبلیغاتی؛ به شورای نگهبان حمله میکنند؛ به نیروهای مؤمن و جوانهای مؤمن حزب‌اللّهی حمله میکنند؛ در یک کلمه: تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است؛ میخواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ میخواهند او را وادار کنند به تبعیت؛ اینجا جای همان جهاد کبیری است که من چند روز قبل از این مطرح کردم؛ «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا».

مفهوم شناسی و تعریف «نفوذ»

رهبر معظم انقلاب اسلامی، با یک بررسی دقیق، جامع و همه‌جانبه که برگرفته از نگاه نافذ ایشان و امعان نظر در آیات، روایات، تاریخ اسلام، تاریخ معاصر و دشمن شناسی عمیق می‌باشد، ابتدا نفوذ را به نفوذ فردی یا موردی و نفوذ جریانی تقسیم می‌کند و سپس به توضیح هر کدام از این اقسام می‌پردازند.

الف. نفوذ فردی و موردی.

در نفوذ فردی و موردی، دشمن عوامل خودش را در شکل و شمایل نیروهای خودی به دستگاه‌ها، مراکز و بیوت، نفوذ می‌دهد و آنان را در جوار افراد موثر، متنفذ، دارای مسئولیت‌های بالا و برخوردار از موقعیت «تصمیم‌سازی» و «تصمیم‌گیری»، قرار می‌دهد و از طریق این افراد سعی می‌کند با القاء مطالب خاص و جهت‌دار و ریل‌گذاری‌های متناسب با اهداف جبهه باطل و نظام سلطه، فرد مسئول و صاحب نفوذ و تصمیم‌گیرنده را در مسیر مورد نظر دشمن حرکت دهد، در نتیجه سخنان، تصمیمات و عملکرد فرد مورد نظر دقیقاً در راستای اهداف و منافع دشمن خواهد بود.

مقام معظم رهبری در توضیح این قسم از «نفوذ» می‌فرمایند:

«نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌ودستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی آرایش‌شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است درحالی‌که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم‌گیرنده را عوض میکند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید،

میتوانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می آید کاری میکند که شما حرکت را این جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم سازی. در همه ی دستگاه ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه های سیاسی نیست، دستگاه های روحانی و دینی و مانند اینها هم همیشه وجود داشته .» (بیانات در دیدار فرماندهان گردان های بسیج ، ۹۴/۹/۴)

از مصادیق بارز این نوع از «نفوذ» می توان به آنچه در مورد آقای «منتظری» در دهه شصت رخ داد و منجر به خسارات عظیمی شد، اشاره نمود؛ خساراتی که آثار سوء آن همچنان باقی است، در این ماجرا دشمن با استفاده از ضعف های شخصیتی آقای منتظری، موفق شد با نفوذ دادن لیبرالها و منافقین به بیت ایشان و القای مطالب غلط و غیر واقعی، وی را از مسیر امام، اسلام و انقلاب خارج نموده و دقیقاً در مسیر خواست خود حرکت دهد و از فردی که روزی پا به پای امام و امت اسلامی در مبارزه با استکبار و نظام سلطه و عوامل آنها، حرکت می کرد و مشقت های زیادی را نیز در این راه متحمل گردیده و به شخصیت دوم انقلاب تبدیل شده بود، فردی بسازد که در نقطه مقابل امام و آرمانهای انقلاب اسلامی ، قد علم کرده و به مدافعی سرسخت برای لیبرالها ، منافقین و اسلام آمریکایی تبدیل شود و دشمنان اسلام و ملت ایران اهداف خود را از طریق وی به پیش برده و سخن خویش را از زبان او بیان نمایند و از این طریق شکافی عظیم در بین نیروهای مومن و انقلابی ایجاد نموده و خسارتی عظیم و غیر قابل جبران ، به نظام و کشور وارد کند.

قرآن کریم برای در امان ماندن جامعه اسلامی از آثار سوء و زیان بار القات نفوذی های دشمن، به مومنان امر می کند، که قبل از هر گونه موضع گیری و اتخاذ تصمیم در مورد اخبار و گزارشاتی که افراد مشکوک و مسئله دار ، ارائه می کنند، به خوبی تحقیق و تفحص نمایند ، « یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات، ۶) » ، « ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده اید پشیمان شوید. »

ب. نفوذ جریانی.

خطرناک ترین قسم «نفوذ»، «نفوذ جریانی» است، در این نوع از نفوذ، دشمن با شبکه سازیهای دروغین و به ظاهر غیرسیاسی، مانند محیط زیست، کاریابی، گردش و شادی، باستان گرایی و. ، باصرف پولهای گزاف و برداشتن مرز محرم و نامحرم و ایجاد جاذبه های جنسی، مثل اردوهای مختلط و حتی در قالب فعالیتهای مذهبی و معنوی، مانند عرفانهای کاذب، جریانهای انحرافی مهدویت، عزاداریهای خارج از عرف و ضوابط شرعی و با

بهره گیری از رسانه ها و تمامی ابزارهای ممکن، فیلم، موسیقی، جملات قصار و شبکه های اجتماعی، جوانان و افراد موثر را دورهم جمع می کنند و آنان را با خود همفکر و همراه می سازد و از این طریق ، باورها، نگاه ها و سبک زندگی را تغییر داده و جامعه را در مسیر دلخواه خود حرکت می دهند، این افراد خواسته یا ناخواسته به گونه ای فکر می کنند، تشخیص می دهند، تصمیم می گیرند و عمل می کنند، که اطاق های فکر و برنامه ریزی دشمن می خواهند و هرکجا که باشند، در خانواده، کلاس درس و محیط کار، عامل نفوذی و سرباز بی هزینه دشمن هستند، «... يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاعُوتِ ..(نساء،۷۶)»، و از عمر و اموال خود در این راه هزینه می کنند تا دیگران را از راه حق باز دارند «... يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصِدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ..(انفال،۳۶)». تعالیم و آموزهای ارائه شده در این نوع از نفوذ و شبکه سازی ها ، دقیقاً در ضدیت و دشمنی با تعالیم انبیاء (علیهم السلام) و در راستای اهداف شیاطین و طاغوت‌های زمانه است ؛ چنانچه قرآن کریم در این باره می فرماید : « وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (انعام،۱۱۲) » ، « و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می کنند و اگر پروردگار تو می خواست چنین نمی کردند؛ پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند واگذار» ؛ البته این آموزه ها تنها در افرادی اثر می کند که دارای ضعف های اعتقادی و اخلاقی متعددی هستند و در نتیجه ی این نقاط ضعف و پذیرش القآت دشمن ، دستاوردی جز تباهی و بیچارگی نخواهند داشت، همانگونه که قرآن کریم در آیه بعد به این واقعیت مهم اشاره می نماید: « وَ لَتَصْنَعِيَ إِلَيْهِ أَفِدَّةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ (انعام،۱۱۳) » ، « و [چنین مقرر شده است] تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بیسندد، و تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند. » همچنین قرآن کریم در باره القای نامحوس این آموزهای خطرناک در این نوع از شبکه سازیها توسط شیاطین به دوستانشان جهت مجادله با مومنان، می فرماید: « وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَ إِنِ اطَّعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (انعام،۱۲۱) » ، «... و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند، تا با شما به مجادله برخیزند اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود!». ».

رهبر معظم انقلاب اسلامی ، در تعریف و تبیین این قسم از نفوذ می فرمایند:

« نفوذ جریانی، یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ به وسیله ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده ترین وسیله دو چیز است ، یکی پول، یکی هم جاذبه های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار

باشند، بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه میکند - البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد - همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را خواهی که او میخواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده‌ی کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمانها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزشها تغییر پیدا خواهد کرد، خواستهها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد.» (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۹۴/۹/۴)

چنانچه ملاحظه می‌شود، راه در امان ماندن از شر دشمن در این نوع از نفوذ و رهایی از خطر بد عاقبتی و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، برطرف کردن ضعف‌های اعتقادی، اخلاقی، معنوی و معرفتی است؛ اینجا است که راز و رمز آن همه تأکیدات حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی)، مبنی بر کسب تقوای الهی، انس با قرآن، اهل بیت (علیهم السلام) و ادعیه، بهره‌گیری از فرصت‌های طلایی ماه‌های رجب، شعبان، رمضان و ایام عرفه، اعتکاف و لیالی قدر، زنده نگه داشتن یاد و نام شهداء و برخورداری از روحیه جهاد و شهادت و برگزاری یادواره‌های شهداء و کاروانهای راهیان نور و برگزاری محافل روشنگری، معرفتی و بصیرتی، روشن می‌شود؛ چنانچه در نوشتارهای قبلی نیز اشاره شد، از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های پیروان و مدافعان اسلام ناب محمدی (صلی الله و علیه و آله)، عبودیت و بندگی خداوند، خضوع و خشوع در مقابل پروردگار و تضرع به درگاه حضرت حق می‌باشد؛ «تَرْتَهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا. (فتح، ۲۹)»؛ قرآن کریم در باره خصلت‌های بارز حافظان حدود الهی، می‌فرماید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (توبه ۱۱۲)».

راه مقابله با حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی، اعتقادی و سیاسی اعلام نشده دشمن.

حضرت آیت الله العظمی، امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی)، در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۹۴، راه مقابله با خطر حمله همه‌جانبه فرهنگی، اعتقادی و سیاسی دشمن را، عمل به همین مبانی و مفاهیم بلند،

مخصوصاً توجه ویژه به فرهنگ جهاد و شهادت، بیان می کنند و می فرمایند: « به یک نکته‌ای توجه کنید: ما مواجهیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده؛ یعنی شما حالا که من دارم می‌گویم، قاعدتاً از من قبول میکنید لکن اطلاع ندارید از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ من دارم میبینم چه دارد اتفاق می‌افتد؛ لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه‌ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور، جذب جوانها بخصوص جوانهای فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار میکنند. خوب، در مقابل اینها کارهایی دارد انجام میگیرد؛ بچه‌های حزب‌اللهی، مردمان مؤمن، مسئولان باتعهد کارهای خوبی دارند انجام میدهند لکن بیش از اینها باید در کشور کار بشود. یکی از قلمهای مهم، همین است که این مفاهیم بارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده‌ی شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند.»

نفوذ در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت

از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، دشمن در پروژه « نفوذ » به دنبال تخریب برج و باروی اراده ملت مسلمان ایران و فروریختن قلعه محکم انقلاب اسلامی است؛ آن بزرگوار در این باره می فرماید:

« یک مسئله مسئله‌ی نفوذ است؛ نفوذ. ما این مسئله‌ی نفوذ را در قضیه‌ی برج و پس از برج مطرح کردیم؛ این خیلی مسئله‌ی عجیب و خیلی مسئله‌ی مهمی است. کسانی که در مسائل گوناگون دسترسی به اطلاعات دارند، خوب میدانند که چه دامی برای کشور گسترده‌اند برای نفوذ کردن در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت ایران، با انحاء مختلف تدابیر و سیاستها و توطئه‌ها؛ این الان در جریان است؛ مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موربانه از داخل می‌جود و پایه‌ها را سست میکند و فرو میریزد؛ قضیه این جوری است. مسئله‌ی نفوذ خیلی مهم ... البته در این زمینه روشنگری لازم است؛ روشنگری بدون اتهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معین کردن، اما روشنگری اذهان مردم؛ چیز لازمی است. » (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور. 1394/10/14)

اهداف نفوذ

رهبر معظم انقلاب اسلامی، اهداف اصلی نفوذ را رخنه در مراکز تصمیم ساز و تصمیم گیر نظام از طریق ایجاد تغییر و دگرگونی در افکار، عقاید، باورها و نوع نگاه مسئولین و در نتیجه ایجاد و تغییر در محاسبات مسئولین به نفع دشمن و مبتلا نمودن آنها به خطاهای محاسباتی و ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات مردم و نهایتاً خالی نمودن نظام از محتوای اساسی آن می دانند و می فرمایند: « این آن چیزی است که بنده مکرر در مکرر تذکر میدهم به مسئولان مختلف و به جهات مختلف؛ و آن عبارت است از نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر باورهای مردم؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر محاسبات ما که مسئول هستیم و

نشسته‌ایم اینجا، یک محاسبه‌ای داریم برای کارهای خودمان، یک محاسبه‌ای میکنیم؛ این محاسبه نتیجه‌اش این میشود که این جور موضع بگیریم؛ اگر محاسبه‌ی ما را توانستند تغییر بدهند، موضع‌گیری ما تغییر پیدا خواهد کرد. یکی از کارهای اساسی آنها این است: تغییر محاسبه‌ها در مسئولین؛ تغییر باورها در مردم؛ تغییر در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مجموعه‌هایی که تصمیم‌سازی میکنند و تصمیم‌گیری میکنند. این آن کار خطرناکی است که تهاجم به مبانی انقلاب در آن هست، تهاجم به بنیادهای حافظ و محافظ هست؛ تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است؛ میخواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ میخواهند او را وادار کنند به تبعیت.» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، 95/3/6)

آن بزرگوار، همچنین در همین راستا و در تبیین هدف دشمن از « پروژه نفوذ »، در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، در تاریخ ۹۴/۹/۴، فرمودند: « افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان؛ سمت مورد نظر عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله، همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او میخواهد، بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده‌ی کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمانها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزشها تغییر پیدا خواهد کرد، خواستهها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد. »

آماج نفوذ

اینکه در فاز بسیار خطرناک « جنگ نرم » یعنی « پروژه نفوذ » چه افراد و شخصیت‌هایی مورد نظر دشمن و « آماج نفوذ » هستند، بحث بسیار مهم دیگری که رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی بدان پرداخته‌اند و در این باره می‌فرمایند:

« آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی میشود روی اینها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است.» (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۹۴/۹/۴)

مکمل نفوذ چیست؟

یکی از بحث‌های مهم و اساسی در مقوله « نفوذ »، بحث « مکمل نفوذ » است؛ « مکمل نفوذ » یعنی تخریب و حمله به نیروهای مومن انقلابی و جوانهای حزب‌اللهی و حمله

به نهادها حافظ و محافظ نظام از جمله سپاه ، بسیج و شورای نگهبان است ؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می فرمایند :

« مکمل این نفوذ هم کارهای حاشیه‌ای است؛ یکی از چیزهایی که مکمل این نفوذ است، تخطئه‌ی کسانی است که بر اصالتها، بر نگاه درست، بر ارزشها پای می‌فشارند؛ این مکمل نفوذ است. نمی‌خواهم بگویم آن کسانی که بسیج را تخطئه می‌کنند، متهم می‌کنند به افراطی‌گری و تندی و چه و چه، آگاهانه دارند با نفوذگران همکاری می‌کنند؛ همراهی می‌کنند؛ بنده این ادعا را نمی‌کنم، خبر ندارم اما واقع قضیه این است که این کمک است. اینهایی که در بخشهای مختلف، با زبانهای مختلف، بسیج را متهم می‌کنند به تندروری، به افراطی‌گری و چه و چه و چه، دارند در واقع نفوذ را تکمیل می‌کنند؛ پروژه‌ی نفوذ به وسیله‌ی اینها دارد تکمیل میشود؛ چون بسیج جزو آن خاک‌ریزهای مستحکم است؛ بسیج یک خاک‌ریز مستحکم است؛ این خاک‌ریز را نباید سست کرد.» (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ، ۹۴/۹/۴)

آن بزرگوار همچنین در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ، در تاریخ ششم خردادماه ۱۳۹۵ در مورد این بُعد از پروژه « خطرناک نفوذ » ، یعنی « مکمل نفوذ » و تهاجم به مبانی و بنیانهای حافظ و محافظ نظام می فرمایند:

« این آن کار خطرناکی است که تهاجم به مبانی انقلاب در آن هست، تهاجم به بنیانهای حافظ و محافظ هست؛ به سپاه حمله می‌کنند، حمله‌ی تبلیغاتی؛ به شورای نگهبان حمله می‌کنند؛ به نیروهای مؤمن و جوانهای مؤمن حزب‌اللهی حمله می‌کنند.»

پیشینه بحث «نفوذ» از منظر قرآن کریم

اگر بخواهیم نگاهی دقیق به پیشینه «جنگ نرم» ، مخصوصاً فاز خطرناک آن یعنی بحث « نفوذ » ، با آن معنا و مفهومی که حضرت آقا بیان فرمودند داشته باشیم، باید گفت اولین بار و اولین جایی که بحث «نفوذ» به عنوان تاثیر گذاری بر عقاید و تغییر در باورها و اعتقادات مطرح گردید ، زمانی بود که پس از خلقت انسان و بحث سجده بر آدم و شکست «ابلیس» در این آزمایش بزرگ، « وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ. (بقره، ۳۴) » و رانده شدن وی از در گاه الهی « قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (اعراف، ۱۳) » فرمود: «از آن [مقام] فرو شو، تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.»؛ شیطان حضرت حق را تهدید کرد که از طریق « اغواگری » ، بندگان خدا را از « صراط مستقیم » خارج نموده و آنان را رهسپار جهنم نماید، « قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا يَتَيْنَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ. (۱۷و۱۶ اعراف) » ؛ و قسم یاد کرد که لحظه ای دست از « اغوای » بندگان خدا و تلاش جهت « نفوذ »

در باور و اندیشه آنها برندار، «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص، ۸۲)» البته وی در این میان «عباد مخلص خدا» را که همان افرادی هستند که از ویژگیهای «انقلابی بودن» برخوردارند، استثنا نمود، «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (ص، ۸۳)» و خداوند هم بر این گفته او مهر تأیید زد «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (حجر، ۴۲)» چراکه کسانی که خود را از قید ولایت طاغوت رها کرده و با برخورداری از ویژگی، «استقلال همه جانبه از کفار»؛ خویشتن را تحت ولایت الله و در امتداد آن، ولایت حجج الهی قرار داده و ویژگیها و شاخص های مد نظر جبهه حق را در خود ایجاد نموده و برخوردار از تقوای فردی، دینی، سیاسی و اجتماعی شده اند، اگر شیطان بخواهد در آنها اثر گذاری نماید، به برکت برخورداری از «نورافکن» و «قطب نما» «بصیرت»، از این ترفند دشمن آگاه شده و در دام او گرفتار نمی شوند و در پازل دشمن بازی نمی کنند، «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف، ۲۰۱)»؛ این شاخص و ویژگیها همان هایی است که بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و رهبر معظم انقلاب اسلامی از آن به عنوان «روحیه انقلابیگری» و «تفکر بسیجی» و در یک کلام «بصیرت»، یاد می کنند؛ «زیغ در قلوب» و مبتلا شدن به انحراف و دگرگونی در افکار و عقاید، گرفتار شدن در باتلاق «ارتداد»، از بزرگترین نگرانی هایی است که پیوسته عباد صالح خداوند را به خود مشغول ساخته لذا قرآن کریم از زبان آنان بیان می دارد که دعای همیشگی آنان این است که، «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران، ۸)»

«بلعم باعورا» نماد نفوذ شیطان در خواص

از جمله افرادی که به دلیل از دست دادن «غیرت دینی» و «روحیه انقلابیگری» و تهی شدن از ارزشهای دینی، (انسلاخ)، مورد طمع و نفوذ شیطان واقع گردیده و در زمره گمراه و یاران شیطان قرار گرفت، فردی است که در تفاسیر از او با نام «بلعم باعورا» اسم می برند و خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم به پیامبرش امر می کند که داستان عبرت آموز او را برای مومنان تلاوت نماید تا مایه بصیرت آنان شود؛ آنجا که می فرماید: «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (اعراف، ۱۷۵)»، «و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت آن گاه شیطان، او را دنبال کرد و از گمراهان شد.»؛ قرآن کریم علت این «انسلاخ» و تهی شدن از ارزش ها و از دست دادن تفکر بسیجی و روحیه انقلابیگری را، گرایش به زخارف دنیا و پیروی از هوای نفس برمی شمارد

و او را به سگی تشبیه می کند که به علت ابتلای به هاری دچار عطشی سیری ناپذیر گشته و دیگر هیچ چیز او را اشبا نمی کند و به رسول خویش امر می کند تا سرگذشت او را برای مومنان بازخوانی نماید تا مایه تفکر آنان و کسب بصیرت گردد؛ « وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف، ۱۷۶) » و اگر می خواستیم، قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می بردیم، اما او به زمین [دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد. از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله ور شوی زبان از کام برآورد، و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد. این، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند. » ؛ گرایش به زخارف دنیا و پیروی از هوای نفس دقیقاً همان چیزی است که مولی الموحدین حضرت امیرالمومنین امام علی (علیه السلام)، از آن به شدت برای امت اسلامی بیم دارند، چراکه این دو باعث از دست رفتن «تفکر انقلابی» و خارج شدن فرد مومن از جبهه حق و قرار گرفتن در مسیر باطل می گردد؛ آن بزرگوار در خطبه ۲۸ کتاب گرانسنگ « نهج البلاغه» در این باره می فرماید: « وَ إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَانِ ، اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ ، فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا. » همانا، وحشتناک ترین چیزی که بر شما می ترسم، هواپرستی، و آرزوهای دراز است؛ پس، از این دنیا توشه بگیرید تا فردا خود را با آن حفظ نمایید.» و در خطبه ۴۲ این کتاب شریف، در تکمیل این بحث می فرماید: « أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ » ، «ای مردم همانا بر شما از دو چیز می ترسم: هوا پرستی و آرزوهای طولانی؛ اما پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می دارد، و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می برد.» .

« نفوذ » در خواص، ریشه تمام فتنه ها

چنانچه ملاحظه گردید ، « بلعم باعورا » یک انسان عادی و معمولی نیست ، بلکه او یک فرد شاخص و نشان دار است ، « وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا ... » و از خواص جامعه و افراد صاحب نفوذ می باشد؛ لذا نکته مهم اینجاست که خواص جامعه، مسئولین ، نخبگان ، تریبون داران و افراد مؤثر و صاحب نفوذ در مرتبه اول، مورد طمع شیاطین و آماج « نفوذ » دشمنان هستند ، چراکه اگر دشمن موفق به اجرای عملیات نفوذ بر روی آنان شود ، ضمن آنکه موفق به رسوخ در بدنه دستگاه های تصمیم ساز و تصمیم گیرنده نظام می شود و بر محاسبات و تصمیمات مهم اثر جدی و سرنوشت ساز می گذارد، بر بخش قابل توجهی از جامعه نیز تأثیر گذاری می کند و موفق می شود به تبع خواص ، عوام جامعه را نیز دچا دگرگونی و تغیر در باورها ، اندیشه ها ، نوع نگاه و سبک زندگی نماید و از طرف

دیگر باعث تریبون داری و گفتمان سازی در مقابل گفتمان ولایت و فاصله گرفتن بخشی از جامعه، از محور وحدت یعنی ولایت و ایجاد تفرقه و مبتلا نمودن جامعه مومنین به دوقطبی ها و چند قطبی های کاذب و ایجاد فتنه و درگیری داخلی و از دست رفتن توان و انرژی امت اسلامی و در نتیجه فشل شدن کشور و نظام دینی، می گردد. « وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال ۴۶) » .

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان گردانهای بسیج در تاریخ ۹۴/۹/۴، در تبیین این مسئله مهم فرمودند: « آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم گیران یا تصمیم سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی میشود روی اینها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین در بیانات بسیار مهم و اساسی، در تاریخ بیستم خرداد ماه سال ۱۳۷۵ در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (صلی الله و علیه و آله) به تبیین تأثیر فوق العاده و سرنوشت ساز خواص بر جامعه اسلامی می پردازند و در این باره می فرمایند:

« .. از هر طرف حرکت می کنیم، به خواص می رسیم. تصمیم گیری خواص در وقت لازم؛ تشخیص خواص در وقت لازم؛ گذشت خواص از دنیا در لحظه لازم؛ اقدام خواص برای خدا در لحظه لازم. اینهاست که تاریخ و ارزشها را نجات می دهد و حفظ می کند! در لحظه لازم، باید حرکت لازم را انجام داد. اگر تأمل کردید و وقت گذشت، دیگر فایده ندارد..... خواص! خواص! طبقه خواص! عزیزان من! ببینید شما جزو کدام دسته اید؟ اگر جزو خواصید - که البته هستید - پس حواستان جمع باشد. »

خواص فاسد دنیا طلب و فتنه «واقفیه»

اگر در تاریخ سرتاسر درس و عبرت اسلام مخصوصاً تاریخ تشیع و علی الخصوص تاریخ انقلاب اسلامی، دقت شود، در می یابیم که تقریباً، قطع به یقین، تمامی فتنه هایی که امت اسلامی و جامعه مومنین بدان مبتلا شده اند، از خواصی نشأت گرفته که در اثر از دست دادن « تفکر بسیجی» و «روحیه انقلابیگری» و «اندیشه جهادی»، دیگر نتوانسته اند در مسیر «عدم تبعیت» از شیاطین و دشمنان اسلام و «جهاد کبیر» حرکت کنند و در نتیجه مورد طمع و آماج «نفوذ» دشمن گردیده اند و اقدام به جبهه گیری در مقابل امام امت اسلامی نموده و جامعه را دچار «فتنه» و چند دستگی ساخته اند، فتنه هایی که به تعبیر قرآن کریم فقط دامنگیر بخشی از جامعه نمی شود بلکه تمامی امت اسلامی را در بر می گیرد، « وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

(انفال، ۲۵) « ، این فتنه ها بر اساس آنچه از تفاسیر به دست می آید توسط خواص جامعه که مبتلای به هوا و هوس شده اند ، ایجاد می شود، فتنه سقیفه ، فتنه حکمیت، تحمیل صلح به امام حسن مجتبی (علیه السلام) و عدم همراهی با امام حسین (علیه السلام) از نمونه ها بارز آن است؛ از جمله این فتنه ها، فتنه هولناک «واقفیه» است که از خطرناکترین فتنه های تاریخ تشیع است و توسط افرادی بوجود آمد، که چندین دهه سابقه همراهی با امامین همام حضرت امام جعفر صادق و حضرت امام موسی کاظم (علیهما سلام) را داشتند، افرادی همچون «علی بن ابی حمزه بطائی» ، «زیاد بن مروان قندی» و «عثمان بن عیسی رواسی» ؛ این افراد که از وکلاء و اصحاب خاص امام کاظم (علیه السلام) بودند ، بواسطه اثر پذیری از عقاید باطل و انحرافی و مبتلا شدن به گرایشات مادی و اشرافیگری ، دچار تغییر و دگرگونی در عقاید و باورها شدند و پایبندی خود را به ارزشها اساسی و مبانی دینی از دست دادند از جمله اینکه در اعتقاد به اصل امامت دچار تردید و انحراف شدند و در نتیجه اقدام به جبهه گیری در مقابل امام زمان آن عصر ، یعنی امام رضا (علیه السلام) نمودند و جبهه ای متشکل از عوامل بنی عباس ، ته مانده های بنی امیه ، زنادقه و ملحدین ، یهود، کفار و افراد فاسد ، پشت سر آنها در مقابل حجت خدا و امام حق ، شکل گرفت و دشمنان دیروزشان به دوستان امروزشان تبدیل شدند و همگی مورد لعن حضرت امام رضا (علیه السلام) واقع شدند.

هرچند مبارزه بی امان و انقلابی حضرت امام ابالحسن علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحیة والثناء) و همراهی خواص پاک ، مومن و انقلابی آن حضرت ، باعث شد که این جریان مخوف در دوران امامت آن حضرت درهم شکسته شود ، ولی این فتنه که توسط خواص ایجاد شده بود ، شکستگی عمیقی در بدنه تشیع ایجاد نمود و باعث ریزشهای فراوانی در جبهه حق گردید و آثار فکری و رسوبات اعتقادی آن مانند یک بیماری همه گیر تا یک قرن در جامعه دینی باقی ماند .

نفوذ لیبرالها و منافقین به بیت « منتظری » و شکاف در یاران انقلاب

آیت الله منتظری که از خواص و یاران نزدیک حضرت امام و پیشگامان نهضت اسلامی و مبارزه با رژیم طاغوت و ایادی استکبار جهانی بود، به دلیل نفوذ لیبرالها و منافقین در بیت ایشان و در اثر برخی القآت و توهمات و سوء تفاهم های به وجود آمده در جریان دستگیری مهدی هاشمی و باند تبهکار وی در سال ۱۳۶۵ ، و در اعتراض به این بازداشت و در دفاع از جریان منحرف مهدی هاشمی، اقدام به موضع گیری علیه سپاه و

وزارت اطلاعات و برخی از شخصیت‌های نظام نمود و برای فشار وارد کردن بر امام جهت آزادی مهدی هاشمی ، در حساس ترین سال سرنوشت ساز جنگ تحمیلی، و در آستانه عملیات های کربلای ۴ و ۵ ، اقدام به بستن دفتر خویش و تحصن و خانه نشینی نمود و با این کار خویش شکافی عظیم در بین یاران انقلاب ، مخصوصاً نیروهای سپاه ، بسیج و رزمندگان اسلام بوجود آورد و موجبات دلسردی و نا امید شدن بخشی از بدنه انقلاب را ایجاد نمود و سبب ریزشهای فراوانی در بین یاران انقلاب شد و زمینه امیدواری دشمن را فراهم کرد و تأثیر به سزایی در روند دفاع مقدس و سرنوشت جنگ از خود به جای گذاشت و از این طریق خسارات جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی و کشور وارد نمود و از همین جا نسبت به امام و انقلاب زاویه پیدا نمود و روز به روز بر فاصله او با امام و آرمانها انقلاب اسلامی افزوده شد تا جایی که در جریان مسائل پس از عملیات مرصاد و آشکار شدن خیانت منافقین به کشور و منافع ملی و برخورد قاطع امام با سازمان منافقین ، به دفاع تمام قد از منافقین پرداخت و قدام به جبهه گیری و مقابله با امام نمود و به بلندگوی نظام سلطه و دشمنان بی آبروی اسلام تبدیل شد و از اینجا بود که حضرت امام دستور داد سخنان وی از صدا و سیما پخش نشود ولی وی ساکت نماند و مواضع مخرب خود را از طریق رسانه های بیگانه مخصوصاً « بی بی سی » منتشر می نمود و نصایح امام و دلسوزان نظام در وی کوچکترین اثری نداشت ؛ این وضعیت ادامه یافت در تا در جریان دهه فجر ۱۳۶۸ در یک دیدار به اصطلاح مردمی مواضع تندى را علیه نظام اتخاذ نمود و تقریباً تمامی آرمانهای انقلاب مخصوصاً جهاد و شهادت را زیر سؤال برد و جوی از یأس و نا امیدی در بخشی از بدنه جامعه ایجاد نمود.

حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در تاریخ سوم اسفند ۱۳۶۷ در پیامی خطاب به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات، که به « منشور روحانیت » مشهور شد ، نسبت به این القآت یأس آور، عکس العمل نشان داده و با این پیام حکیمانه ، الهی و روشنگرانه خود ضمن خنثی نمودن این مواضع شیطنی که حاصل نفوذ عوامل دشمن یعنی منافقین و لیبرالها بود، فضایی از شور و نشاط و امید در کشور ایجاد نمودند ؛ آن بزرگوار در بخشی از این پیام می فرمایند:

«من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی ببیورد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و

خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهار نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیا و معصومین - علیهم السلام - در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هر گز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هر گز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند.»

حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در تاریخ دوم فروردین سال ۱۳۶۸ ،
تنها چهار روز مانده به عزل آقای منتظری، در پیامی که به مناسبت نیمه شعبان و خطاب به مهاجران جنگ، صادر می‌کنند، در مورد خطر « نفوذ عوامل دشمن » به مراکز، ادارات، بیوت و منازل خواص و تاثیر گذاری بر آنها، به شدت اخطار می‌دهند و می‌فرمایند: « امروز غرب و شرق به خوبی می‌دانند که تنها نیرویی که می‌تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است. آنها در این ده سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به هر وسیله ممکن آن را در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است نابود کنند. اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد، با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچ کدام از اینها نشد، ایادی خودفروخته خود از منافقین و لیبرالها و بی‌دینها را که کشتن روحانیون و افراد بیگانه برایشان چون آب خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می‌دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند. و نفوذیها بارها اعلام کرده‌اند که حرف خود را از دهان ساده‌اندیشان موجّه می‌زنند؛ من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام؛ چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندان‌شان در سر سفره افطار گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده‌های همکاری آنان با امریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می‌کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده‌اند، از این حرکات دست برندارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۲۷) .

حضرت امام خمینی نهایتاً در تاریخ ششم فروردین سال ۱۳۶۸ و بعد از آنکه موانعی برسر راه تشکیل جلسه خبرگان رهبری ایجاد می‌شود، به این نتیجه قطعی می‌رسند که آقای منتظری به دلیل تأثیر پذیری از عوامل استکبار مخصوصاً منافقین و لیبرالها، دچار تغییر جدی و بنیادین در افکار، عقاید، اندیشه‌ها، مواضع و آرمانها گردیده و به مصداق بارز « نفوذ دشمن » در دستگاه‌های تصمیم ساز نظام تبدیل شده، به گونه ای که دشمنان اسلام به راحتی و بدون هیچگونه هزینه ای حرف خویش را از زبان ایشان می‌زنند و استمرا حضور ایشان در جایگاه قائم مقام رهبری چیزی جز خسارت محض نخواهد بود؛

نامه حضرت امام به ایشان و عزل وی از قائم مقامی رهبری و طرد او از پیکره نظام ، بخوبی گویای این مطلب است؛ حضرت امام در بخشهایی از این نامه می فرماید:

« از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید. شما در اکثر نامه‌ها و صحبتها و موضعگیریهایتان نشان دادید که معتقدید لیبرالها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند. به قدری مطالبی که می گفتید دیکته شده منافقین بود که من فایده‌ای برای جواب به آنها نمی دیدم. اگر شما نظر من را شرعاً مقدم بر نظر خود می دانید- که مسلماً منافقین صلاح نمی دانند و شما مشغول به نوشتن چیزهایی می شوید که آخرتتان را خرابتر می کند- با دلی شکسته و سینه‌ای گداخته از آتش بی مهریها با اتکا به خداوند متعال به شما که حاصل عمر من بودید چند نصیحت می کنم دیگر خود دانید: ۱- سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرالها نریزد. ۲- از آنجا که ساده لوح هستید و سریعاً تحریک می شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد. ۳- دیگر نه برای من نامه بنویسید و نه اجازه دهید منافقین هر چه اسرار مملکت است را به رادیوهای بیگانه دهند. ۴- نامه‌ها و سخنرانیهای منافقین که به وسیله شما از رسانه‌های گروهی به مردم می رسد؛ ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان- روحی له الفداء- و خونهای پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید؛ برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند. سخنی از سر درد و رنج و با دلی شکسته و پر از غم و اندوه با مردم عزیزمان دارم: من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که مکلف به اغماض آن نیستم هر گز چشم پوشی نکنم. من با خدای خود پیمان بسته‌ام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند دست از حق و حقیقت بر نمی دارم؛ من کار به تاریخ و آنچه اتفاق می افتد ندارم؛ من تنها باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم؛ من بعد از خدا با مردم خوب و شریف و نجیب پیمان بسته‌ام که واقعیات را در موقع مناسبتش با آنها در میان گذارم. تاریخ اسلام پر است از خیانت بزرگان به اسلام؛ سعی کنند تحت تأثیر دروغهای دیکته شده که این روزها رادیوهای بیگانه آن را با شوق و شور و شغف پخش می کنند نگردند. » (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۳۳)

البته به دلیل مصلحت اندیشی برخی خواص از جمله آقای هاشمی رفسنجانی، نامه امام در تاریخ ششم فروردین ۱۳۶۸ از صدا و سیما پخش نشد و با صحبت‌هایی که با آقای منتظری صورت گرفت وی چاره ای جز استعفاء نمی یابد و در نامه ای به حضرت امام در تاریخ ۷ فروردین ۱۳۶۸ مراتب استعفای خویش را به استحضار آن حضرت می رساند؛ حضرت امام خمینی در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۶۸، ضمن پذیرش استعفای وی ، مجدداً خطر نفوذ ایادی استکبار به بیت ایشان را به وی تذکر می دهد و می فرماید:

« برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد، به شما نصیحت می کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک نمایید؛ و از رفت و آمد مخالفین نظام، که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا می زنند، جداً جلوگیری کنید. من این تذکر را در قضیه مهدی هاشمی هم به شما دادم. » (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۳۵)

به دنبا عزل آقای منتظری و بروز برخی ابهامات در بین مسئولین مخصوصاً نمایندگان مجلس سوم، حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) ، جهت تنویر افکار عمومی و جلوگیری از دو قطبی شدن جامعه ، مخصوصاً مسئولان و کارگزاران نظام ، در

تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۶۸ در نامه ای روشنگرانه خطاب نمایندگان و وزراء ماجرای عزل ایشان را اینگونه تبیین می فرمایند:

« بسم الله الرحمن الرحيم . خدمت فرزندان عزیز، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، و وزرای محترم- دامت افاضاتهم. با سلام، شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری نیستید و نمی دانید قضیه از چه قرار است. همین قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه ها و پیغامها تمام تلاش خود را نموده است تا قضیه بدین جا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد. از طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضا می کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد؛ لذا با دلی پر خون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم. ان شاء الله خواهان و برادران در آینده تا اندازه ای روشن خواهند شد. سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی بردار نیست؛ و در صورت تخطی، هر کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد. توفیق همگان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. ۶۸ / ۱ / ۲۶. روح الله الموسوی الخمينی. » (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۵)

هرچند به دلیل برخی مصلحت اندیشی ها از شدت و حدت اقدام انقلابی امام در عزل آقای منتظری کاسته شد و اجازه ندادند نامه ۱۳۶۸/۱/۸ حضرت امام، در زمان خودش ، از صدا و سیما خوانده شود و این ماجرا با تدبیر هوشمندانه آن بزرگوار در همان سال ۱۳۶۸ خاتمه یابد، ولی اقدام حکیمانه و انقلابی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) باعث ناکام ماندن دشمن برای نفوذ در رأس سیستم تصمیم گیری نظام شد و علی رغم خسارات وارد شده، دشمن به اهداف خود نرسید و با عزل آقای منتظری، به حول و قوه الهی راه برای معرفی رهبری حکیم، انقلابی ، دشمن شناس و نفوذ ناپذیر که تضمین کننده بقاء و سلامت نظام دینی است باز شد و از این طریق لطف بزرگ خداوند همچنان شامل حال ملت سرافراز ایران گردید.

فتنه ۸۸ حاصل بیست سال عملیات نفوذ دشمن.

به گمان برخی فتنه های پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ ، ناشی از یک بدفهمی و سوء برداشت بوده است، اما واقعیت این است که این فتنه ها حاصل دو دهه عملیات « نفوذ » و برنامه ریزی هدفمند دشمن بیرونی و عوامل داخلی آنها بوده است.

هرچند عده ای مصرند که این حوادث خاتمه یافته تلقی شود ، اما رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (حفظه الله تعالی)، اصرار دارند که با ریشه یابی دقیق، پیشینه این فتنه مورد بررسی قرار گیرد تا ضمن روشن شدن ابعاد مختلف آن، با به راه انداختن یک نهضت روشنگری و مقابله جدی و انقلابی با عملیات نفوذ دشمن ، از تکرار این حوادث خسارت بار در آینده جلوگیری شده و از تحقق اهداف نظام سلطه ممانعت به عمل آید.

آن بزرگوار معتقدند که با توجه به شواهد و قرائن موجود ، فتنه سال ۱۳۸۸ کاری برنامه ریزی شده و دارای پیشینه ای بیست ساله است، ایشان در دیدار جوانان و دانشجویان استان قم در تاریخ ۴/آبانماه/۱۳۸۹ در این باره می فرمایند: « اگر قبول داریم که جبهه‌ی دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلندمدت دارد، پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. نمی‌شود قبول کرد که جبهه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب که بشدت از ناحیه‌ی بیداری اسلامی تهدید میشوند، برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ این را هیچ کس نمیتواند باور کند، مگر خیلی ساده‌لوح باشیم، غافل باشیم که این را باور کنیم. حتماً برنامه‌های بلندمدت دارند؛ کما اینکه همین حوادثی هم که گاهی می‌بینید در کشور اتفاق می‌افتد که دست بیگانه در آن نمایان است، چیزهای دفعتاً به وجود آمده نیست، خلق‌الساعه نیست؛ اینها هم برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت بوده است. برنامه‌ریزی کردند، نتیجه‌ی این برنامه‌ریزی شده این. نه اینکه همان شب تصمیم گرفتند این کار را بکنند و فردا اقدام کردند؛ نه، من در همین فتنه‌ی ۸۸ به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم؛ حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن، برنامه‌ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام برنامه‌ریزی وجود داشت؛ اثر آن برنامه‌ریزی در سال ۷۸ ظاهر شد؛ مسائل کوی دانشگاه و آن قضایائی که اغلب یادتان هست، بعضی هم شاید درست یادشان نباشد. قضایائی که سال گذشته پیش آمد، یک تجدید حیاتی بود برای آن برنامه‌ریزی‌ها. البته سعی کردند با ملاحظه‌ی وقت و جوانب گوناگون، این کار را انجام دهند؛ که خوب، بحمدلله شکست خوردند، باید هم شکست می‌خوردند. پس جبهه‌ی دشمن برنامه‌ی بلندمدت دارد. آنها مأیوس نمی‌شوند که ببینند حالا امروز شکست خوردند، دست بردارند؛ نه، طراحی میکنند برای ده سال دیگر، بیست سال دیگر، چهل سال دیگر. باید آماده باشید. »

سؤال مهم و اساسی اینجاست که چرا با وجود آنکه تقریباً تمام توان دنیای کفر ، نظام سلطه و در یک کلام جبهه گسترده دشمنان انقلاب اسلامی، به مدت حداقل بیست سال، در تهاجم به مبانی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی متمرکز شده بود، دشمن به هدف خویش که فروپاشی و براندازی نظام دینی و تجزیه کشور اسلامی بود نرسید؟ چرا حضرت آقا می فرمایند : « بحمدلله شکست خوردند، باید هم شکست می‌خوردند. » حمد الهی از شکست دشمن قابل درک است ، اما اینکه «باید هم شکست می‌خوردند.» بسیار سؤال برانگیز است! اگر چنانچه اندکی در صدر فرمایش حضرت آقا دقت شود ، علت این، «باید هم شکست می‌خوردند.» روشن می گردد؛ آنجا که می فرمایند : « اگر قبول داریم که جبهه‌ی دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلندمدت دارد، پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم » ؛ این امر نشان می دهند که رهبر حکیم ، عالم به زمان ، دشمن شناس و ژرف اندیش انقلاب اسلامی ، از همان سال ۱۳۶۸ با شناخت توطئه های عمیق دشمن و نوع برنامه ریزیهای بلند مدت و میان مدت آنها و با رصد دقیق اقدامات دشمنان اسلام و جریان فتنه ، ضمن روشنگری و آگاهی بخشی به مدافعان انقلاب اسلامی و آگاه سازی جامعه اسلامی ؛ در نقطه مقابل برنامه ریزیهای دشمن ، اقدام به برنامه ریزی های میان مدت و

بلند مدت برای خنثی نمودن اقدامات خباثت آمیز دشمنان نموده اند ؛ با یک بررسی دقیق می توان به برخی از این اقدامات اینگونه اشاره نمود :

۱. زیر نظر داشتن و رصد حرکات جریان فتنه ساز و برانداز.
۲. تذکر و اخطارهای پی در پی به مسئولین و دست اندرکاران نظام.
۳. احیا و تقویت بسیج بعنوان خط مقدم دفاع از نظام؛ کلاس های طرح معرفت و دورهای بصیرت.
۴. حساس نمودن جامعه نسبت به حرکات مشکوک ضد ارزشی و ضد فرهنگی، تهاجم فرهنگی و....
۵. تقویت بنیه معنوی جامعه با تأکید بر فرهنگ عاشورا و مهدویت.
۶. زنده نگه داشتن و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و دفاع مقدس؛ یادواره شهداء ، راهیان نور ...
۷. فرهنگ سازی و وارد کردن اصطلاحات تأمل برانگیز و بصیرت آفرین در ادبیات سیاسی جامعه.
۸. بازتعریف، تصیح و جهت دهی به برخی اصطلاحات مورد استفاده برخی جریانات مشکوک فرهنگی.
۹. نام گذاری سالها متناسب با فضای سیاسی اجتماعی جامعه و جهان اسلام.
۱۰. ایجاد و تقویت مراکز علمی ، و حوزوی جهت پاسخگویی به شبهات و حمله به اردوگاه فکری دشمن.
۱۱. برنامه ریزی و توجه ویژه به مسائل دانشگاه و جوانان ؛ حضور مستقیم ، پرسش و پاسخ و ...
۱۲. ورود مستقیم در پاسخگویی به شبهه افکنی های دشمن و تبیین مسائل ایران و جهان اسلام.
۱۳. سفرهای استانی و تقویت رابطه معنوی و عاطفی بین امت و امام مسلمین.
۱۴. اهتمام جدی به فرهنگ ایرانی اسلامی و ادبیات غنی فارسی.
۱۵. مهار افراطی گری و تند رویها و القای آرامش و امید آفرینی در جامعه. و....

هر چند در جریان حوادث پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ، دشمنان اسلام ، نظام و تمامیت ارضی کشور توانستند چند ماهی و خساراتی نیز به کشور وارد کنند اما از جمله امیدوار کردن دشمن در حال ناامید شدن در جریان تقابل هسته ای و جنگ تحریمها و تشویق و ترقیب او به ایستادگی و طراحی تحریم های فلج کننده بعد فتنه ۸۸؛ اما در نتیجه این اقدامات و برنامه ریزیها ، نهایتاً پس از آنکه چند ماه تهران را متلاطم نمودند و دلها و ذهن ها را به خود مشغول ساختند، به لطف خداوند متعال ، عنایت امام زمان ، (علیه السلام) ، درایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و بصیرت مدافعان انقلاب و با به میدان آمدن مردم و وقوع حماسه کم نظیر «نه دی» ، که برخاسته از دل خیمه های امام حسین (علیه السلام) و محصول دو دهه تلاش ، برنامه ریزی و هدایت رهبر عظیم الشأن انقلاب و همراهی خواص صالح و ایستادگی ملت مومن و انقلابی ایران اسلامی بود، فتنه سال ۱۳۸۸ با کمترین خسارات از سر کشور برطرف شد و دشمنان در این پروژه بیست ساله با آن همه سرمایه گذاری ، شکست خوردند و چهره عوامل خویش را نیز آشکار ساختند.

یک تجربه مهم و ارزشمند

این تجربه مهم و با ارزش به ما می آموزد که توطئه های دشمن را ، هر چند هم که گسترده ، عمیق ، خطرناک و پیچیده باشد ، می توان با تبعیت از دیده بان روشن ضمیر انقلاب و با برنامه ریزی دقیق و حسن ظن و اعتماد کامل به وعده یاری و نصرت الهی ، بدون خسارت یا با کمترین خسارت ممکن ، خنثی نمود ، چراکه خداوند به مومنان وعده داده که به شرط جهاد و استقامت و ایستادن پای آرمانهای الهی ، حتماً آنان را یاری خواهد نمود «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد، ۷)» ، و مدافع سرسخت آنان خواهد بود «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ... (حج، ۳۸)» و وعده خداوند حق است ، «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (یونس، ۵۵)» و در آن کذبی راه ندارد «.. وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (نساء، ۱۲۲)» و خداوند قادر است وعده خویش را محقق کند «.. إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره، ۱۰۹)» و وعدهای الهی تخلف بردار نیست «بَنْصُرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ * وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم، ۶۵)» چنانچه در گذشته نیز مومنان را به بهترین نحو یاری نموده است ، «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ... (توبه، ۲۵)» و «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (آل عمران ۱۲۳)» .

با بهره گیری از این تجربه ارزشمند و ذی قیمت و حرکت در همین صراط مستقیم الهی می توان پروژه خطرناک «نفوذ» را کاملاً خنثی نمود و بدون هیچ واهمه ای این تهدید را نیز به فرصتی جهت اقتدار روز افزون نظام مقدس اسلامی تبدیل نمود.

وحدت حول محور «ولایت» ، فاصله نگرفتن از گفتمان رهبری، سد راه «نفوذ».

کاملاً روشن است که این توفیق عظیم ، بدون داشتن رهبری حکیم ، هوشمند ، مدیر و مدبر ، دشمن شناس و ژرف اندیش ، محقق نمی شود ؛ چرا که لطف الهی در «وحدت» حول محور «ولایت» نهفته است ، «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا (آل عمران ۱۰۳)» ؛ در فرهنگ قرآنی و آموزه های دینی ، به هر تجمع و گرد هم آمدنی وحدت به آن معنایی که مد نظر قرآن است ، گفته نمی شود ، بلکه به آن اجتماع و اتحادی ، «وحدت اسلامی» و «اعتصام به حبل الله» اطلاق می گردد که حول محور «ولایت» و رهبری دینی و حاکم اسلامی صورت پذیرد ، اگر یک میلیون انسان در یک مکان جمع شوند و به صورت انفرادی ولی همراه با هم نماز بخوانند ، فرهنگ دینی به این نوع نماز خواندن «جماعت»

نمی گوید و لی اگر یک نفر نماز گزار به یک «امام» حائز شرایط اقتدا کند، اسلام آن را به عنوان «جماعت» به رسمیت می شناسد و تمام فضائل و برکات نماز جماعت را بر آن مترتب می داند، چرا که محور و اساس «وحدت»، «امام»، حاکم و پیشوا است.

پس در نگاه دینی هر وحدتی مطلوب نیست، با اندکی تأمل در آیات نورانی کتاب هدایت الهی، روشن می شود که از نظر قرآن کریم دو نوع وحدت و تعاون داریم: «وحدت و تعاون مطلوب، مفید و مقدس» و «وحدت و تعاون نامطلوب، مضر، شوم و خسارت بار»، «..تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده، ۲) ، از جمله زیان بارترین وحدتها در طول تاریخ وحدت حول محور سقیفه و وحدت حول محور بنی امیه و دوری از «حبل الله» که همان حجت های الهی هستند، می باشد.

حاصل آنکه از نظر قرآن کریم و سیره حضرات معصومین (علیهم السلام) و در یک کلام از نظر «دین»، «وحدت» یعنی اطاعت و تبعیت محض از «ولی امر» که خود مطیع محض حضرت حق و حجت خداست و «تفرقه» یعنی «فاصله گرفتن» و «زاویه پیدا کردن» با «ولایت» ؛ «وحدت» برگرفته از «توحید» و یگانگی و قرار گرفتن زیر چتر ولایت الله است، که تجلی آن ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امتداد آن ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) و استمرار آن در عصر غیبت، ولایت فقیه عادل جامع شرایط است که توسط خبرگان فقهی هر عصر، شناسایی و به مومنان و طالبان هدایت الهی، معرفی می شود.

نقطه مقابل این «وحدت»، هرچه باشد، فاصله گرفتن از ولایت و «تفرقه» محسوب می شود حتی اگر توافقی جمعی بر سر مسئله ای همچون حکمیت باشد؛ و حاصل آن، نزاع و در نتیجه فشل شدن جامعه اسلامی و از دست رفتن استحکام و انسجام امت اسلامی است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، ۴۶) .

فاصله بین امت و امام، جایگاه نفوذ دشمن و آغازین نقطه شکل گیری فتنه ها.

«نفوذ»، در شکاف و فاصله بین امت و امام، رخ می دهد و محصول «نفوذ» نیز «فتنه» است؛ گفتمان سازی مقابل گفتمان امام و حاکم دینی توسط خواص و تقسیم نمودن اوامر رهبری به مولوی و ارشادی، موجب شکاف بین امام و امت و فاصله گرفتن جامعه از

رهبری می شود و دشمن از همین شکاف و فاصله است که می تواند در سد آهنین امت سلامی نفوذ نمود و آن را مبتلای به فتنه نموده و پایه های محکم جامعه دینی را سست و در نتیجه آن را فرور ریزد؛ در واقع محور و اساس پروژه «نفوذ»، تفرقه افکنی و ایجاد اختلاف و چند قطبی کردن جامعه مومنین است؛ جامعه بشری باید دوقطبی حق و باطل باشد ولی جامعه مومنین باید «امت واحده» باشد؛ حضرت امام خمینی (قدسه الله نفسه الزکیه)، در این باره می فرمایند: «مردم را نسبت به وظایف خطیر و حساسی که در رابطه با اسلام عزیز و انقلاب خونبار ملت شریف ایران دارند آشنا ساخته، و از تفرقه و اختلاف که مهمترین عامل نفوذ دشمنان می باشد، بر حذر دارید.» (۲۰ تیر ۱۳۶۶ / صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۳۰۶). آن بزرگوار، ائمه جمعه و جماعات و تمامی مدافعان انقلاب اسلامی را موظف به روشنگری در این زمینه نموده و می فرمایند: «مردم را در خطبه های نماز به مسائل مهم اسلامی و توطئه های دشمنان اسلام آگاه ساخته و به وحدت و همبستگی دعوت نمایید و از اختلاف و تفرقه که مؤثرترین وسیله نفوذ دشمنان ملل اسلامی است بر حذر دارید.» (۱۲ اسفند ۱۳۶۶، صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۴۹۴).

از نظر مولی الموحدین، حضرت امیرالمومنین، امام علی (علیه السلام)، سر آغاز فتنه ها و در واقع آغازین نقطه شکل گیری فتنه ها، فاصله گرفتن از گفتمان ولی امر و زاویه پیدا کردن با امام امت و گفتمان سازی در مقابل گفتمان رهبری و حاکم دینی است، امری که ریشه در هواهای نفسانی و پیروی از شیطان دارد؛ آن بزرگوار در خطبه ۱۸۷ کتاب شریف و ارزشمند «نهج البلاغه» در این باره می فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ أَلْقُوا هَذِهِ الْأَزِمَةَ الَّتِي تَحْمِلُ ظُهُورُهَا الْأَثْقَالَ مِنْ أَيْدِيكُمْ وَ لَا تَصَدَّعُوا عَلَي سُلْطَانِكُمْ فَتَدْمُوا غِبَّ فِعَالِكُمْ وَ لَا تَقْتَحِمُوا مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ فُورِ نَارِ الْفِتْنَةِ وَ أَمِيطُوا عَنْ سَنَنِهَا وَ خَلُّوا قَصْدَ السَّبِيلِ لَهَا فَقَدْ لَعَمْرِي يَهْلِكُ فِي لَهَبِهَا الْمُؤْمِنُ وَ يَسْلَمُ فِيهَا غَيْرُ الْمُسْلِمِ إِنَّمَا مَثَلِي بَيْنَكُمْ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي الظُّلْمَةِ يَسْتَضِيءُ بِهِ مَنْ وَ لَجَهَا فَاسْمَعُوا أَيُّهَا النَّاسُ وَ عُوا وَ أَحْضِرُوا آذَانَ قُلُوبِكُمْ تَفْهَمُوا». «ای مردم، مهار این شتران فتنه را که پشت آنها حمل کننده و زر و بال است از دست بیندازید، (خود را از چنگال هوای نفس و بار سنگین مشکلاتی که به دست خود ایجاد کرده اید رهایی بخشید) و از امام و صاحب اختیار خود فاصله نگیرید، که یقیناً پشیمان شده و خویشتن را سرزنش خواهید کرد، و خود را بی باکانه در گرداب فوران آتشفشان فتنه ها که به استقبال آن رفته اید، نیندازید و از جاده فتنه ها خارج شده و خود را از سر راه آن به کنار بکشید، به جان خودم سوگند که مؤمن در شعله های آتش این فتنه ها هلاک می شود، و غیر مسلمان سالم می ماند؛ یقیناً مثل من در میان شما مثل چراغ فروزان در تاریکی ها است، تا از آن چراغ روشنی گرفته و از دل تاریکی ها عبور کنید؛ ای مردم سختم را بشنوید و حفظ کنید، و گوش دلتان را آماده کنید تا بفهمید.»

برخی از زمینه های نفوذ دشمن و راه های مقابله با آن از منظر قرآن کریم.

۱. دشمن ندانستن دشمن.

قرآن کریم تأکید فراوان بر باور و پذیرش وجود دشمن و دیدن دشمن دارد؛ چراکه اولین منفذ و راه نفوذ دشمن این است که دشمن بودن او دیده نشود، همان دشمنی که آشکارا و به تعبیر مقام معظم رهبری، «لخت و عریان به میدان آمده است»، این کتاب شریف در هفت آیه (البقره ۶۸ و ۲۰۸، الأنعام ۱۴۲، الأعراف ۲۲، یوسف ۵، یس ۶۰، الزخرف ۶۲)، با تأکید بر واژه (عَدُوٌّ مُّبِينٌ)، به انسان یاد آور می شود که دشمنی سرسخت دارد که قسم یاد کرده که در دشمنی با او چیزی کم نگذارد، « قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. (سوره ص، ۸۲) »، « ثُمَّ لَأَتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ. (اعراف ۱۷) » و برای آنکه کسی نگوید اینجا مقصود شیطان جنی و ابلیس است، سخن از حزب شیطان در مقابل حزب خدا به میان آورده است، «... أَوْلِيكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (مجادله ۱۹) » و در جایی دیگر، در جبهه مقابل انبیاء (علیهم السلام)، شیاطین انسی را بر شیاطین جنی مقدم نموده است، « وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ... (انعام ۱۱۲) ».

لازم به ذکر است که در فرهنگ قرآن مجید «شیطان» نماد دشمن و رأس جبهه باطل است و ابلیس اعظم و شیطان اکبر در هر زمانی مصداق خاص خودش را پیدا می کند و در عصر حاضر مصداق کامل آن رژیم جنایتکار ایالات متحده آمریکا است.

نکته بسیار مهم و حائز اهمیت اینجا است که، دشمن تلاش می کند با بزک کردن چهره خویش و داخل کردن دست چدنی و آهنین در دستکش های زیبا و مخملین، خود را ناصح و خیرخواه جامعه مومنین جلوه دهد تا از این طریق مسیری برای نفوذ در امت اسلامی باز کند و موفق به فروپاشی جامعه مسلمین شود و در این راه از انواع و اقسام شیوه ها بهره می برد، مثل تبریک هر ساله عید نوروز توسط رئیس جمهور جنایتکار امریکا و پهن کردن سفره هفت سین در کاخ سفید و خیرخواه جلوه دادن خود در حق ملت ایران، و جالب اینجاست که برخی از خواص بی بصیرت و افرادی ساده لوح این ترفند دشمن باور می کنند و خواهان مصالحه با دشمن هستند؛ قرآن کریم ضمن اشاره به واقعه تلخ محرومیت حضرت «آدم و هوا»، یکی از شیوه های مهم دشمن جهت نفوذ در حصن حصار اراده ملت های مومن را یاد آورد می شود و در این باره می فرماید: « فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ ... * وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ * فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ... »، « سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، * و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم. * و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد ... (اعراف، ۲۰ تا ۲۲)»

۲. خوشبینی و حسن ظن و اعتماد به دشمن.

یکی دیگر از معبرهای نفوذ دشمن خوشبینی و حسن ظن و اعتماد برخی از خواص و به تبع آنها بخشی از جامعه، به دشمن است، در حالیکه دین اصل و مبنا را سوء ظن به دشمن می داند مگر آنکه خلاف آن ثابت شود که هیچگاه خلاف آن ثابت نمی شود؛ قرآن مجید در رد اعتماد، حسن ظن و خوشبینی به دشمن، در آیات ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۲۰، آل عمران می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةِ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ * هَآئِنْتُمْ أَوْلَاءِ تَحِبُّونَهُمْ وَ لَأَ يَحِبُّونَكُمْ وَ تَوَمِّنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ إِنَّا لِلَّهِ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَ إِن تَصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَأَ يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّا لِلَّهِ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ » ، « ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! * شما کسانی هستید که آنها را دوست می‌دارید اما آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (و آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزندا بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.» * اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می‌کند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.»

۳. امید خیر به دشمن داشتن .

دلخوش کردن به وعده‌های دروغین دشمن و امید خیر به شیطان داشتن ، از دیگر منفذ هایی است که گشاینده راه نفوذ دشمن است؛ قرآن کریم ضمن ردّ این توهم ، به دروغین ، توخالی و غیر قابل تحقق بودن وعده‌های شیطان اشاره می کند و می فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَ يَمْنِيهِمْ وَ مَا يَعِدُّهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (نساء، ۱۲۰)»؛ قرآن مجید همچنین یادآور می شود که شیطان در قبال این وعده های دروغین و غیر قابل تحقق ، امر به فحشا و دست برداشتن از ارزشها می کند؛ « الشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُّكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره ۲۶۸) » ؛ قرآن کریم از شیطان با صفت مرید یاد می کند، در تفاسیر آمده است که مرید یعنی پلید و به معنی موجودی است که شر محض است و

هیچ خیری در او نیست و امید خیر به او داشتن، اصل نا امیدی است. «إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنْهَاءً وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا (نساء، ۱۱۷)» .

۴. ترسیدن و خوف از هیمنه دروغین دشمن.

یکی دیگر از شیوه های نفوذ دشمن ایجاد ترس از طریق تهدید و به راه انداختن جنگ روانی است تا با تأثیر گذاری بر محاسبات مسئولین بتواند تصمیم گیری آنان را در جهت اهداف خویش ساماندهی نماید؛ قرآن کریم ضمن اشاره به این موضوع، راه در امان ماندن از این ترفند خطرناک دشمن را ایمان و توکل بر خداوند و قرار دادن خویش در زیر چتر ولایت الله و نهراسیدن از هیمنه پوشالی و دروغین دشمن می داند؛ این کتاب شریف در وصف مومنان هنگام مواجهه با این ترفند دشمن، می فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ آلِهِمْ وَفَضَّلُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأَمَّنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ هُنَّ الْفَاقِقَاتُ الْيَسْرَىٰ وَالَّذِينَ هَمَّ بِفُرُوقِنَ أَتَمَّ اللَّهُ لَهُمْ أَمْرَهُمْ وَعَلَّمَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِمَا نَبَّهُوا عَلَيْهِمْ وَلَهُنَّ أَعْيُنٌ عَابِدُونَ لِيَلْمَنَّهُنَّ الْفَاقِقَاتُ الْيَسْرَىٰ وَالَّذِينَ هَمَّ بِفُرُوقِنَ أَتَمَّ اللَّهُ لَهُمْ أَمْرَهُمْ وَعَلَّمَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِمَا نَبَّهُوا عَلَيْهِمْ وَلَهُنَّ أَعْيُنٌ عَابِدُونَ لِيَلْمَنَّهُنَّ الْفَاقِقَاتُ الْيَسْرَىٰ» (آل عمران، ۱۷۳) «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس، از آن بترسید.» و الی این سخن [بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.» * پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، [از میدان نبرد] بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و هم چنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است. * در واقع، این شیطان است که دوستانش را می ترساند پس اگر مؤمنید از آنان بترسید و از من بترسید.»؛ قرآن کریم در اینجا واژه «خشیت» را بکار برده، که به معنای ترس همراه با تعظیم و تکریم و ناشی از علم به عظمت خطر است، حال ممکن است این علم ناشی از تأثیر گذاری عوامل بیرونی، مانند تبلیغات هدف دار و جهت دار و جنگ روانی دشمن، بر دستگاه محاسبه انسان، مخصوصاً بر افراد صاحب نفوذ و تصمیم گیرنده باشد.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه (حفظه الله تعالی) در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۹۳ همزمان با ایام پر برکت ماه مبارک رمضان در دیدار مسئولین و کارگزاران نظام، در مورد تأثیر دشمن در دستگاه محاسبه‌ی مسئولین جامعه اسلامی، از طریق تهدید و تطمیع می فرمایند: «تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه‌ی ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را می ترساند؛ آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران می فرماید: «إِنَّمَا ذَالِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ در قضیه‌ی غزوه‌ای که بعد از اُحد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدرتان درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ اُحد زخمی شدند، همانها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامتان هم نیایید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) راه افتاد، کسانی که آن روز در اُحد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه افتادند رفتند و دشمن را که در نزدیکی مدینه - خبر درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند به صورت غافلگیرکننده،

تارومار کردند و برگشتند « فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضَّلْنَا لَهُمْ لِمَ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ » بعد میفرماید که: « إِنَّمَا ذَالِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ. »

آن بزرگوار در ادامه این بحث در مورد تلفیق تهدید با تطمیع و وعده‌های دروغین توسط دشمن جهت از کار انداختن فکر و محاسبات مسئولین و اثر گذاری بر تصمیمات آنان ، می فرمایند : « یکی از کارهای شیطان ترساندن است: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ (بقره ۲۶۸) ، شما را از فقر میترساند - بنابر یک احتمال در معنای این آیه‌ی شریفه - این تهدید بود، از طرف دیگر تطمیع است؛ از سوی دیگر وعده میدهد شیطان، وعده‌های فریبنده؛ اینجا هم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن میفرماید: يَعِدُهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (نساء، ۱۲۰)، وعده میدهد... ، یک آینده‌ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود میگذارد؛ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ؛ اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد ؛ از یک طرف تهدید میکنند، از یک طرف تطمیع میکنند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛ تطمیع‌های کلی: «چنین میکنیم، چنان میکنیم»؛ بعد هم نمیکنند، دروغ میگویند؛ کار شیطان این است. همه‌ی این کارهایی که شیطان انجام میدهد - این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبه‌ی غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب میشود. محاسبه‌ی غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرها است؛ گاهی حیات انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سرپنجه‌ی اراده‌ی او است، و اراده‌ی انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است: اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده‌ی انسان تصمیمی میگیرد و در جهتی میرود که خطا است؛ آن وقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید. عرض کردیم، مراقبت در مورد شخصی که مسئولیت ندارد به یک معنا است، مراقبت در مورد من و شما که حوزه‌ی مسئولیتی داریم، به یک معنای دیگر است. مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله‌ی شیطانهای انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جَنّی نیست؛ ابلیس که فقط نیست؛ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. (انعام ۱۱۲)؛ شیاطین انس و جن به هم کمک هم میکنند. من همین جا تأکید کنم: یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنتهای الهی را، سنتهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ.** (محمد، ۷) ؛ دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است: **وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.** (احزاب، ۶۲) ؛ اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این را قرآن گفته است، با این صراحت که وعده‌ی الهی است؛ ما هم در عمل آن را تجربه کرده‌ایم.»

۵. احساس حقارت در مقابل دشمن.

دشمن را بزرگ دیدن و خود را حقیر انگاشتن و توانایی های خود را ندیدن، از دیگر زمینه های نفوذ دشمن است، قرآن کریم در آیات فراوانی، ایمان و توکل بر خداوند را بزرگترین مولفه های قدرت مومنین بر می شمارد و در آیه شریفه ۱۳۹ آل عمران با شیوه ای نهیب گونه، برتری آنان را به شرط پایبندی به ایمان و توکل بر خدا یادآور می شود و از این طریق راه نفوذ دشمن را می بندد: « وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » ، « و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! » .

۶. تلاش برای رفع نگرانی دشمن.

تلاش برای رفع نگرانی دشمن و اطمینان بخشی به او با عقب نشینی های پی در پی، از دیگر عوامل نفوذ دشمن است؛ قرآن مجید نه تنها توصیه ای به رفع نگرانی دشمن نمی کند، بلکه در نقطه مقابل این تفکر و اندیشه، به مومنان امر می کند، (توصیه و سفارش نه، بلکه امر می کند!) که اسباب رعب و دلهره دشمن را فراهم آورند تا دشمنان امت اسلامی جرأت تعدی و تجاوز به حدود مسلمین را پیدا نکنند و از این طریق راه نفوذ شیاطین بسته شود: « وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تظَلُمُونَ (انفال، ۶۰) » ، « هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد » قرآن کریم همچنین، در آیه ۱۲۰ سوره توبه، هر گونه اقدام انقلابی مومنان را که موجب غیظ، عصبانیت و به خشم آمدن دشمن شود را، مصداق عمل صالح معرفی نموده و می فرماید: «... لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لَا نَصَبٌ وَ لَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَطْؤُنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَ لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنْ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ »، «هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می شود بر نمی دارند، و ضربه ای از دشمن نمی خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می شود زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند» و در آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح که در شأن امیرالمومنین (علیه السلام) و در وصف مدافعان اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) نازل شده، می فرماید: عملکرد این مومنان بگونه ای است که موجبات خشم کفار را فراهم نماید: « لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ » ؛ البته مقصود تحریک کردن دشمن نیست بلکه منظور این است که مومنان بگونه عمل کنند که تمرکز

دشمن را از بین برده و دستگاه محاسبانی او را از کار بیندازند و موضع دائمی آنان این باشد که: «قُلْ مَوْتُوا بِغَيْظِكُمْ».

۷. خسته شدن ، کم آوردن و از دست دادن روحیه جهادی.

از نفس افتادن، خسته شدن، کم آوردن و از دست دادن «روحیه جهادی» و «تفکر بسیجی»، که محصول گرایش به مادیات و مبتلا شدن به روز مرگی است؛ از جمله مواردی است که منجر به باز شدن مسیر نفوذ دشمن و تمایل به مصالحه و کنار آمدن با باطل می شود؛ قرآن کریم مومنان را از این حالت ذلت بار نهی نموده و می فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ (محمد، ۳۵)»، «پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی کند»

۸. تجمل گرایی ، اشرافی گری و از دست دادن روحیه انقلابیگری .

از دیگر گزینه هایی که راه نفوذ شیطان را به روی انسان می گشاید و فرد مومن را از جبهه حق خارج و در زمره یاران و برادران شیطان قرار می دهد، از دست دادن «روحیه انقلابیگری» و مبتلا شدن به ریخت و پاش ، تجمل گرایی و اشرافی گری است ؛ قرآن کریم برای در امان ماندن از خطر عظیم نفوذ شیطان و خروج از جبهه حق، مومنان را از این صفت مخرب برحذر می دارد و می فرماید: «... وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا * إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» ، «و هرگز اسراف و تبذیر مکن، * چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود! (اسراء، ۲۶ و ۲۷)» .

داستان «بلعم باعورا» که در فراز های قبلی به آن اشاره شد ، نمونه بارز این مورد از معبرهای نفوذ دشمن است؛ «وَ اَنْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ * وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف، ۱۷۵ و ۱۷۶)» ؛ البته راه های نفوذ دشمن منحصر به موارد نیست بلکه این موارد برخی از مصادیق مهم شیوه های نفوذ دشمن است که به آن اشاره شد.

جمعبندی

«نفوذ» یعنی تغییر در باورها، آرمانها، نگاه ها و سبک زندگی و در نتیجه فرد تغییر باور یافته به عامل شیاطین تبدیل شده و اهداف آنها را تأمین می کند؛ راه در امان ماندن از خطر «نفوذ» ، «جهاد کبیر» است و تنها کسی قادر به «جهاد کبیر» است که از «روحیه انقلابیگری» برخوردار باشد؛ در نتیجه عملکرد فرد برخوردار از «روحیه انقلابیگری» و غیرت دینی می شود «جهاد کبیر» و جهاد کبیر به صورت طبیعی راه «نفوذ» فکری، فرهنگی و سیاسی دشمن را می بندد.

«وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»